

رُرفارغ زنگ بون

چرا زنان موفق
با وجود
موفقیت‌های اجتماعی
فراوان
احساس رضایت
نمی‌کنند؟



انتشارات بنیاد فرهنگ زندگی



۵۷	پیشگفتار یک
۵۹	پیشگفتار دو
۲۱	مقدمه
۳۹	فصل یک : جدایی از زنانگی
۴۱	مادران : قربانی یا مقصر؟
۴۴	طرد زنانگی
۴۷	سفر آغاز می‌شود : جدایی از مادر
۴۹	مادر اعظم و مادر وحشتناک
۵۲	طرد مادر
۵۵	جدایی از مادر خوب
۵۷	طرد بدن زنانه
۵۹	یک تجربه از طرد وجه زنانه ...

۲۴۸	بازپس‌گیری زن سرکوب شده
۲۵۴	بازپس‌گیری قدرت زنانه
۲۵۹	فصل نه : یافتن مردِ مهربان درون
۲۶۱	شفای مردانگی زخمی
۲۶۴	مردانگی بی‌پیوند با زنانگی
۲۶۶	آزادسازی قدرت زنانه
۲۶۷	ازدواج مقدس
۲۶۹	زن خردمند و مرد مهربان درون
۲۷۴	قدرت‌های شفابخش زندگی : هیلدگارد
۲۷۵	رؤیای وحدت مقدس
۲۷۹	فصل ده : فراسوی دوگانگی
۲۸۴	نقش مردسالاری در ایجاد شکاف ...
۲۸۷	چشم‌انداز جامع دایره‌ای
۲۹۱	ماهیت دوگانه الوهیت
۲۹۳	مسیحیتِ سلتی
۲۹۵	دایره، الگویی برای زندگی
۳۰۱	نتیجه‌گیری
۳۰۷	آشنایی با ساختار روان ...
۳۱۹	منابع و مأخذ

۱۹۷	جدایی جسم و روح
۱۹۹	جنسیت زنانه
۲۰۱	نفی غرایز زنانه ...
۲۰۴	این بدن من است
۲۰۶	رابطه با احساسات زنانه : درپوشی روی قلب
۲۰۸	اندوه جدایی از زنانگی
۲۱۰	مادربزرگِ عنکبوتی ...
۲۱۴	زنانگی در نقش حافظ و نگهدارنده
۲۱۵	زنانگیِ خلاق : ماریچ در حال تغییر
۲۱۸	پاکسازی ظرفِ زنانه ...
۲۲۱	فصل هشت : شکاف روحی بین مادر و دختر ...
۲۲۴	دخترانِ مادری‌ندیده ...
۲۲۸	عقده مادر : گره‌ای بر روان جمعی
۲۳۰	در جستجوی مادرِ شخصی
۲۳۴	زن خردمند درون
۲۳۶	شفا در طبیعت و جامعه
۲۳۷	مادربزرگ، راهنما و زن با بصیرت
۲۴۰	زنان اسطوره‌ساز
۲۴۳	سرچشمه تصاویر الهه
۲۴۵	رؤیای زن قدرتمند
۲۴۷	واژه‌ها و نوشته‌های زنانه
۲۴۸	پس گرفتن تاریکی



[بازگشت زنان به هویت از دست رفته]

کارل گوستاو یونگ روان تحلیل‌گری بود که ابتدا به‌شدت به روانکاوی فروید علاقمند بود و از آن دفاع می‌کرد ولی بعدها انتقادهای او به فروید منجر به جدایی آنها شد. یونگ گرچه نسبت به نگاه فروید که همه چیز را جنسی می‌دانست معترض بود، اما بیش از هر نظریه‌پرداز دیگری بر اهمیت و نقش فرایندهای ناهشیار و کهن‌الگوها بر رفتار انسان تأکید داشت. یونگ نقش‌های متفاوتی را برای زنان و مردان قائل بود. در نظریه یونگ همه انسان‌ها بخشی از جنس دیگر را در درون خود دارند و کهن‌الگوی آنیما معرف بخش زنانه روان مردان و کهن‌الگوی آنیموس معرف بخش مردانه روان زنان است. زنان در اصل هیجانی و مراقبت‌کننده و مردان در اصل منطقی و مقتدرند و تحلیل‌گران یونگی وظیفه خود می‌دانند که به جنبه‌های زنانه و مردانه انسان‌ها توجه کنند.

البته این مفاهیم در نظریه یونگ نقش‌های کلیشه‌ای جنسیتی

را تقویت می‌کند و معتقد است که ماهیت زنان با مردان متفاوت است و لذا هر یک اهداف، آرزوها و مسیر خاص خود را باید دنبال کند، در غیر این صورت باید منتظر عواقب جبران‌ناپذیر این انتخاب باشد. البته رویکردهای فمینیستی با چنین تعبیری از زنان و مردان مخالفاند، اما توجه به کهن‌الگوها آگاهی‌بخش و ناهشیار هر جنس را از جنس دیگر افزایش می‌دهد. عقاید یونگ به شدت در میان مردم آمریکا معروف شد و یکی از دلایل این معروفیت مجموعه تلویزیونی جوزف کمپبل بود که اهمیت اسطوره در زندگی مدرن را به نمایش می‌گذاشت. خانم مورین مورداک نویسنده این کتاب پس از سال‌ها مطالعه در محضر آقای کمپبل متوجه شد که او فقط به سفر مردان قهرمان معتقد است و برای سفر زنان قهرمان جایگاه و مسیر خاصی قائل نیست و زن قهرمان را وسیله سفر مرد قهرمان می‌داند. در حالی که خانم مورداک در تجربیات زندگی شخصی خود و روان‌درمانی با زنان متوجه درد و رنج و نارضایتی آنها از سفر قهرمانانه شد، سفری که متفاوت و پیچیده‌تر از سفر مردان قهرمان است. سفر زن قهرمان از مرحله جدایی از بخش مردانه یعنی جدایی از ارزش‌های سنتی زن بودن مانند خانه‌داری، مادری و وابسته بودن شروع می‌شود و پس از همانندسازی با بخش مردانه، روبه‌رو شدن با دشواری‌های این سفر و کسب موفقیت، بار دیگر نیازمند بازگشت به بخش زنانه خود است و بالاخره به یکپارچه کردن بخش زنانه و مردانه یعنی آنیما و آنیموس خود می‌پردازد، دوگانگی را پشت سر گذاشته و به تمامیت وجود خود دست می‌یابد. البته خانم مورداک این الگوی جالب سفر دایره‌وار زن قهرمان را با نظر گرفتن الگوی سفر کمپبل و مبتنی بر افکار یونگ و

مؤلفه‌هایی از روابط شیئی به تصویر کشید که برای خوانندگان این کتاب به خصوص زنان می‌تواند جالب و آموزنده باشد و الگوی ارائه شده در این کتاب را می‌توان با تجربه‌های شخصی خود نیز مقایسه نمود.

خانم طهماسبی که در زمینه روانشناسی یونگ کار می‌کند از من درخواست نمود که پیش‌گفتاری بر این ترجمه بنویسم که با توجه به محتوای جالب و اینکه این اثر را مفید و جالب یافتیم، این کار را پذیرفتم. من به‌عنوان روانشناس و عضو هیأت علمی دانشگاه این کتاب را در تدریس نظریه یونگ در درس نظریه‌های مشاوره و روان‌درمانی به دانشجویان کارشناسی ارشد و دکتری توصیه می‌کنم.

این کتاب همچنین می‌تواند برای روان‌تحلیل‌گرانی که با نظریه یونگ کار می‌کنند و یا از مؤلفه‌های این نظریه در رویکردهای درمانی خود با زنانی که الگوها و مسیرهای غلط مردانه را برای سفر اجتماعی و کسب موفقیت موهوم تقلید کرده‌اند و ماهیت زنانه خود را از دست داده و به دنبال تحسین و خشنودی دیگران فرسوده و دچار مشکلات جسمی و روانی شده‌اند به کار گرفته شود تا بدین طریق زنان به صدای درون خود گوش داده و بخش‌های سرکوب شده وجود خود را به رسمیت بشناسند. مطمئن هستم که استادان و دانشجویان و سایر علاقمندان به مباحث روان‌تحلیل‌گری یونگ از این کتاب استفاده خواهند کرد.

دکتر سیده خدیجه آرین

روانشناس و عضو هیأت علمی دانشگاه علامه طباطبائی